فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۴- صفحه ۸۳ -۱۱۰

تبیین رابطهٔ ارزش‌های اخلاقی و عملکرد اقتصادی در عصر اقتصاد دانش‌بنیان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۶

جمال فتح‌اللهی[*]
سید محمدباقر نجفی[**]
مهدیه سادات موسوی[***]

چکیده

در دو دههٔ اخیر، دنیا شاهد ظهور الگوی تولید جدید اقتصاد دانش‌محور بوده است. در اقتصاد دانش‌محور، دانش به‌عنوان مهم‌ترین عامل تولید، از منظر نقش‌آفرینی در تولید و خلق ارزش‌افزوده، پیشاپیش سایر عوامل تولیدی قرار می‌گیرد. ازاین رو، عوامل مؤثر بر تولید دانش، اهمیت دو چندان می‌یابند. یکی از جنبه‌های تحقق اقتصاد دانش‌محور، ارتباط آن با ارزش‌های اخلاقی است، این مقاله نقش ارزش‌های اخلاقی در عملکرد اقتصادی و بویژه تحقق اقتصاد دانش‌محور را مورد مطالعه قرار می دهد. مطالعهٔ موردی مقاله نیز اقتصاد ایران است.

روش پژوهش، توصیفی- تحلیلی است. مبانی نظری آن برگرفته از یافته‌های اقتصاددانان نهادگراست. برای تبیین مجرای تأثیرگذاری ارزش‌های اخلاقی بر تحقق اقتصاد دانش‌بنیان از سرمایهٔ اجتماعی استفاده شد که خود یک ابرنهاد است و توجه به نقش آن به معنای تأکید بر روابط علّی نهادی و نقش نهادها در عملکرد اقتصادی است.

یافته‌های این پژوهش نشان می دهد که: ۱- عملکرد اقتصادی افراد و جوامع تابع ارزش‌های اخلاقی و نهادهای هر جامعه است. ۲- تحقق الگوی تولید اقتصاد دانش‌محور مانند هر هدف اقتصادی دیگر، مستلزم تحقق پیش‌نیازهای نهادی و ارزش‌های اخلاقی خاص آن است.

واژگان کلیدی: *ارزش‌های اخلاقی، سرمایهٔ اجتماعی، اقتصاد دانش‌بنیان*
طبقه‌بندی JEL*: Z12, Z13, Z19*

[*] استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده علوم اجتماعی(نویسنده مسئول)
J.fathollahi@razi.ac.ir
[**] استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشکده علوم اجتماعی najafi122@yahoo.com
[***] کارشناسی ارشد اقتصاد mmosavi859@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مقدمه

در دو دههٔ اخیر، دنیا شاهد ظهور الگوی تولید جدید اقتصاد دانش‌محور بوده است. اقتصادهای پیشرو ساختار تولیدی خود را با این الگو هماهنگ نموده‌اند تا از مزایای آن بهره‌مند شوند. یکی از ویژگی‌های بارز این الگو، سهم چشمگیر دانش در فعالیت های اقتصادی است. در اقتصاد دانش‌بنیان، دانش به‌عنوان مهم‌ترین عامل تولید، از منظر نقش‌آفرینی در تولید و خلق ارزش‌افزوده، پیشاپیش سایر عوامل تولیدی قرار می‌گیرد. ازاین رو، عوامل مؤثر بر تولید دانش، اهمیت دوچندان می‌یابند. فرایند تولید دانش، یک فرایند جمعی است پس نیازمند مشارکت و اعتماد جمعی است. ازاین رو سطح تولید دانش، تابعی از میزان سرمایهٔ اجتماعی در کشور است و از همین منظر با ارزش‌های اخلاقی و سایر عوامل مؤثر بر پیدایش سرمایهٔ اجتماعی پیوند جدی و زیربنایی می‌یابد. در نتیجه، یکی از جنبه‌های تحقق اقتصاد دانش‌محور، ارتباط آن با ارزش‌های اخلاقی است.

این مقاله نقش ارزش‌های اخلاقی در عملکرد اقتصادی و بویژه تحقق اقتصاد دانش‌محور را مورد مطالعه قرار می دهد. مطالعهٔ موردی مقاله نیز اقتصاد ایران است. سؤال اصلی پیش‌روی این تحقیق این است که ارزش‌های اخلاقی چگونه با تولید دانش و تحقق اقتصاد دانش‌بنیان ارتباط می‌یابند؟

به‌منظور پاسخگویی به سؤال فوق، سازمان‌دهی مقاله بدین‌صورت است: در ابتدا مفاهیم مورد استفاده در این پژوهش معرفی می گردد. مساله، سؤال اصلی و روش پاسخ به آن موضوع مورد بررسی در بخش بعدی است. در بخش پنجم وضعیت اقتصاد دانش‌محور در ایران به تصویر کشیده می شود. بررسی رابطه تولید دانش و نیاز به مشارکت و سرمایه اجتماعی موضوع بخش بعدی است. رابطهٔ ارزش‌های اخلاقی و تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در بخش هفتم تبیین می شود و در نهایت جمع‌بندی ارائه می گردد.

۱. تعریف مفاهیم

مفاهیم کلیدی به‌کاربرده شده در این مقاله عبارتند از:

۱-۱. ارزش‌های اخلاقی

ارزش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی نقشی مهم و اساسی دارند. ارزش‌ها به‌منزله عناصر فرهنگی و اجتماعی سهمی کلیدی را در هویت بخشی فردی و جمعی عهده‌دار هستند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

جامعه‌شناس برجسته بروس کوئن[1] در تعریف ارزش مـی‌گویـد: «ارزش‌هـا باورهـای ریشـه‌داری هستند که گروه اجتماعی، هنگام پرسش درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و کمال مطلوب بـه آن رجـوع می کند» (کوئن، ۱۳۸۵: ۷۳).

شهید مطهری اخلاق را حالتی پایدار در نفس انسان می داند که به دلیل پایداری و نفوذ آن بر شخصیت انسان، در سـایهٔ آن رفتارهـای مختلـف بـدون نیـاز بـه اندیشـه و درنـگ از انسـان سرمی‌زند (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۵۸-۱۵۹). بنابراین در مجموع ارزش‌های اخلاقی باورهای پایـدار و ریشه‌داری است که انسان به کمک آنها خوب را از بد تشخیص می دهد و به شخصیت انسان شـکل می دهد؛ به‌طوری که افراد به کمک آنها رفتارهای خود را بدون درنگ و عادتاً انجام می دهند.
ارزش‌هـای اخلاقـی طیـف بسـیار گسـترده‌ای را تشـکیل مـی دهنـد کـه شـامل ارزش‌هـای تشکیل‌دهنده جهان‌بینی و ایدئولوژی است. در این مقاله، به‌تناسب موضوع، مـراد از ارزش‌هـای اخلاقی، ارزش‌هایی است که به رفتارهای اقتصادی شکل و جهت می دهد. مانند ارزش‌هایی که بر ساختار انگیزشی افراد مؤثر هستند. به‌عنوان مثال، می‌توان پایبندی به عقلانیت، برنامه‌ریـزی، برابرسازی اجتماعی و اقتصـادی، بهبـود نهادهـا و رفتارهـا (تـودارو، ۱۳۸۳: ۱۲۰) راسـتگویی و درستکاری و پایبندی به حقوق دیگران بویژه حقوق مالکیت را نام برد.

۲-۱. سرمایه اجتماعی

زمانی که در نظریه اقتصادی از سرمایه بحث می شود، منظور ذخیره‌ای از منابعی است که برای تولید کالاها و خدمات قابل‌فروش در بازار به‌کار می‌آید. اندیشه سرمایه اجتماعی مفهوم اولیـه و اصلی سرمایه را بسط داد. این مفهوم صرفاً در اقتصاد کاربرد ندارد بلکه به حوزه‌هـای دیگـر نیـز جریان یافته است و به مثابه منبعی می‌ماند که کنش‌های ذاتی روابط اجتماعی را تسـهیل مـی کند. «سرمایه اجتماعی مفهومی مرکـب اسـت کـه از پیونـد دو مفهـوم کلیـدی در رشـته‌هـای جامعه‌شناسی و اقتصاد- سرمایه و اجتماعی- به دست آمده است و موجـب گردیـده دو رویکـرد متمایز در رابطه با کارآمدی گروه‌های انسانی، تبـدیل بـه یـک رویکـرد نظـام یافتـه و منسـجم شوند» (موسوی خامنه، ۱۱:۱۳۸۳).

منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه‌ها و منابعی است که افراد از طریق پیوند با یکدیگر مـی-توانند به آن دسترسی داشته باشند. «سرمایه اجتماعی شامل هنجارها و شبکه‌هـایی اسـت کـه کنش‌های جمعی را به منظور بهره‌گیری از مزایای فراوان آن تسهیل می نمایند» (Stemson et

1. Cohen Bruse

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

al., 2003: 9). سرمایه اجتماعی، نهاد واحدی نیست بلکه «مجموعه‌ای از نهادهای گوناگونی است که دو عنصر مشترک دارند: اولاً، همه آنها مشتمل بر جنبه‌ای از ساختارهای اجتماعی هستند؛ ثانیاً، کنش‌های معین افرادی را که درون ساختار هستند، تسهیل می کند» (Coleman, 1988: 88). «ارتباطات متقابل، رفتارهای دیگر خواهانه و اعتماد، مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی به معنای دارایی جمعی است که بر ظرفیت و توانایی افراد در حل مسائل خود در کنش‌های جمعی مؤثر می‌باشد و کارآیی آنها را افزایش می دهد» (Stewart, et al., 1998: 2).

در واقع سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد، عادات و هنجارهای رفتاری پذیرفته شده است که در سایه آنها تعامل افراد با یکدیگر تسهیل، کم هزینه و پیش‌بینی پذیر می شود. آنچه موجب شکل‌گیری روابط اجتماعی می شود وجود هنجارهای مشترک و اعتماد بین افراد است. «هنجارها، معیارهای رفتاری هستند که تنظیم کننده کنش میان افراد در ساختارهای اجتماعی می‌باشند» (اسمل‌سر، ۱۱۶:۱۳۷۶). در فرایند تشکیل سرمایه اجتماعی، ابزار ارتباط بین ساختار کلان جامعه و ارزش‌های درونی فرد، هنجار است.

یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد است. اعتماد، عبارت است از تمایل فرد به قبول خطر در رفتار با دیگران. این تمایل، مبتنی بر یک حس اطمینان است، بر این اساس که دیگران به گونه‌ای رفتار می‌کنند که از آنها انتظار می‌رود. «اعتماد از عناصر ضروری برای همکاری است و در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می شود اما در جوامع بزرگتر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیر شخصی‌تر یا شکل غیر مستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد» (پاتنام، ۲۹۲:۱۳۸۰).

از نظر فوکویاما اعتماد هنگامی به وجود می‌آید که مردم هنجارهای مشترک صداقت و همیاری را به‌کار گرفته و از خودخواهی و فرصت‌طلبی فاصله بگیرند (Fukuyama, 1999: 48-49). بنابراین مجموعه ویژگی‌هایی مثل وجود اعتماد متقابل و همکاری بین افراد جامعه، مسؤولیت‌پذیری افراد، قانون‌گرایی، تمکین از قواعد اجتماعی و رعایت استانداردها که فضای عمومی محیط کار را تشکیل می دهد، سرمایه اجتماعی است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۳-۱. اقتصاد دانش‌بنیان

اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان[1] اولین بار توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه[2] مطرح شد. از نظر این نهاد علمی بین‌المللی، «اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. با توجه به چنین تعریفی در این اقتصاد شاهد رشد سرمایه‌گذاری در صنایعی که از این نوع فنّاوری استفاده می‌کنند، رشد نیروی کار ماهر و دستاوردهای بهره‌وری هستیم» (OECD, 1996).

در واقع امروزه در هر زمینه و بخشی، نهاده دانش حرف اول را زده و نحوه و میزان استفاده از سایر نهاده‌ها تحت تأثیر آن قرار گرفته است و «دانش به شکل پیشرفته‌اش با شتاب جانشین عوامل تولید صنعتی، زمین، کارگر و سرمایه می شود» (تافلر و تافلر، ۱۳۸۸). در این عصر، دانش بیش از عوامل سنتی نظیر کار و سرمایه موجب تولید می شود. به همین دلیل است که میر و استیگلیتز (۱۳۸۴) تأکید می‌کنند، ایده‌ها کالاهای اقتصادی بسیار مهمی هستند، بسیار مهم‌تر از عواملی که در اکثر الگوهای اقتصادی بر آنها تأکید می شود. اقتصاد دانش‌محور «گرچه به منابع کمتری احتیاج دارد، ولی به مهارت بیشتری نیازمند است» (میر و استیگلیتز، ۱۳۸۴). به همین دلیل، ماهیت کار در این عصر اساساً تغییر می کند و مهارت‌های زیاد جای مهارت‌های کم را می‌گیرد.

۲. مساله و پرسش تحقیق

باوجود اهمیت الگوی تولید اقتصاد دانش‌محور و توانایی‌های آن برای حل مشکلات ناشی از توسعه‌نیافتگی، عملکرد اقتصاد ایران در تحقق آن ناکافی بوده است. این ناکامی تأثیر منفی چشمگیری بر مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی مانند بهره‌وری و رشد اقتصادی دارد. بنابراین یکی از مسائل بزرگ فراروی اقتصاد ایران، عدم تحقق الگوی مورد بحث است. عوامل مختلفی بر تحقق این الگوی تولیدی تأثیرگذار هستند. در نتیجه، عوامل و موانع تحقق آن از جنبه‌های مختلفی باید مورد بررسی قرار گیرند. یکی از این جنبه‌ها، ارتباط اقتصاد دانش‌محور با ارزش‌های اخلاقی و نقش ارزش‌های اخلاقی در تحقق آن است.

1. Knowledge Based Economy (KBE)
2. Organization For Economic Corporation and Development (OECD)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

این مقاله نقش ارزش‌های اخلاقی در عملکرد اقتصادی و بویژه تحقق اقتصاد دانش‌محور را مورد مطالعه قرار می دهد. مطالعهٔ موردی مقاله نیز اقتصاد ایران است. بر اساس این مساله، این پرسش مطرح می شود که ارزش‌های اخلاقی چه نقشی در عملکرد اقتصادی و بویژه تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، ایفا می‌کنند؟

۳. روش تحقیق

این پژوهش از روش تحلیلی- توصیفی برای تجزیه‌وتحلیل و تبیین پاسخ سؤال پژوهش استفاده می‌نماید. روش جمع‌آوری شواهد، اسنادی و کتابخانه‌ای و چهارچوب و مبنای نظری مقاله، اقتصاد نهادی، و وجه تمایز اقتصاد نهادی با اقتصاد نئوکلاسیک، مهم دانستن نقش نهادها در عملکرد اقتصادی است. در این چهارچوب نظری، تأکید بر یافتن روابط علت و معلولی بین نهادها به‌منظور تبیین عملکرد اقتصادی می‌باشد (Hudgson, 1998).

نحوه پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش که در این مقاله پیگیری می شود به شرح مراحل زیر است:

الف- تبیین ضرورت تحقق اقتصاد دانش‌محور

ب- اشاره به نقش کلیدی تولید دانش و فنّاوری در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان

پ- تبیین اینکه تولید علم یک فرایند جمعی است و فعالیت های جمعی نیز مستلزم برخورداری از یک سطح معنادار از سرمایه اجتماعی است.

ث- تبیین این موضوع که یکی از مهم‌ترین عوامل تشکیل سرمایه اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی است.

۴. وضعیت اقتصاد دانش‌محور در ایران

برای سنجش اقتصاد دانش‌محور از سوی سازمان های بین‌المللی الگوهای متفاوتی ارائه شده است. در این مقاله برای روشن شدن جایگاه اقتصاد ایران به لحاظ دانایی از گزارش بانک جهانی استفاده می شود. بانک جهانی، شاخص دانش را تحت عنوان شاخص KI[1] و شاخص اقتصاد دانش‌محور را تحت عنوان KEI[2] معرفی می کند.

1. Knowledge Index
2. Knowledge Economy Index

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

شاخص دانش، نشان می دهد که هر کشوری تا چه حد قدرت تولید، کاربرد و انتشار دانش را دارد. این شاخص میانگین سادهٔ امتیازهای نرمال شدهٔ آموزش، نوآوری و ICT است. شاخص اقتصاد دانش‌محور (KEI) نشان می دهد که تا چه حد محیط برای به‌کارگیری مؤثر دانش در جهت توسعه اقتصادی مهیا است. این شاخص میانگین سادهٔ امتیازهای نرمال شدهٔ نظام نهادی و انگیزش اقتصادی (متغیرهای موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، کیفیت تنظیم‌گری[1] و حاکمیت قانون)، آموزش (متغیرهای نرخ باسوادی افراد ۱۵ سال و بیشتر، ثبت‌نام در دورهٔ متوسطه و ثبت‌نام در آموزش عالی)، نوآوری (متغیرهای مقالات علمی و تخصصی چاپ‌شده در مجلات، کل پرداخت‌ها و دریافت‌ها در ارتباط با حق امتیاز و حق امتیازهای اعطاشده توسط USPTO[2]) وICT (متغیرهای دسترسی به تلفن، دسترسی به رایانه و دسترسی به اینترنت) است.

نمودار۱. ترکیب شاخص‌های دانش

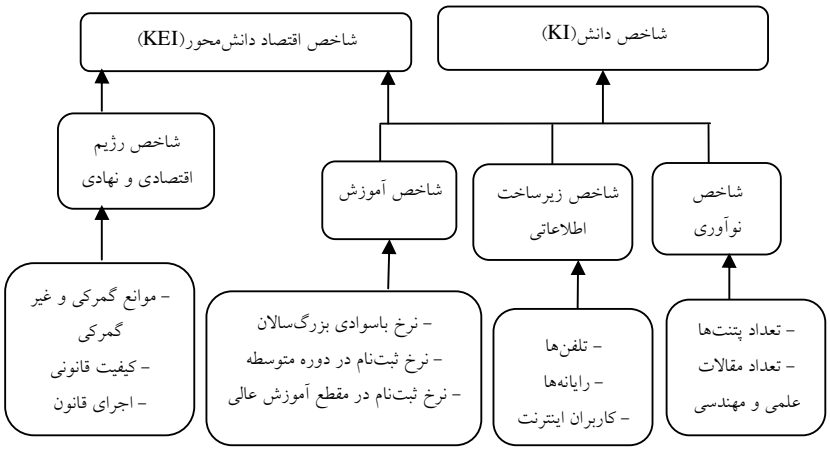

منبع: بانک جهانی،۲۰۱۰، به نقل از: گزارش سنجش علم و فناوری در ایران، ۵۳:۱۳۸۹

1. Regulatory Quality
2. United States Patent and Trademark Office

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

بانک جهانی بر اساس شاخص KEI کشورها را به سه گروه کشورهای پیشرو در اقتصاد دانش‌محور (۱۰>KEI>۷)، کشورهای با شاخص اقتصاد دانش متوسط (۷>KEI>۴) و کشورهای با شاخص اقتصاد دانش پایین (۴>KEI>۰) که بیشتر به واردات فناوری‌ها می‌پردازند، تقسیم می کند. همان طور که جدول ۱ نشان می دهد، بر اساس این تقسیم‌بندی ایران با شاخص اقتصاد دانش‌محور ۳.۹۱ در گروه کشورهای با سطح پایین اقتصاد دانش‌محور قرار دارد.

جدول۱. مقایسه رتبه شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور ایران و گروهی از کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۲

کشور	رتبه	شاخص KEI	شاخص KI
کره	۱۵	۷.۷۹	۸.۶۵
سنگاپور	۳۱	۸.۲۶	۷.۷۹
امارات	۴۱	۶.۹۴	۷.۰۹
مالزی	۵۲	۶.۱	۶.۲۵
قطر	۶۱	۵.۸۴	۵.۵
ایران	۷۵	۳.۹۱	۴.۹۷

منبع: بانک جهانی (۱۳۹۲)

همچنین از اهداف بلندمدت ایران که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامهٔ پنجم توسعه به چشم می‌خورد، این است که جهت‌گیری‌های کلان به سمت دستیابی به رتبهٔ برتر علمی در منطقه است. منظور از منطقه، در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه‌های توسعه، شامل کشورهای آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و شمال آفریقاست. این کشورها عبارتند از: آذربایجان، ارمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، گرجستان، قرقیزستان، قزاقستان، مصر، فلسطین، فلسطین اشغالی، لبنان، سوریه، یمن، بحرین، اردن، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، افغانستان، پاکستان، عراق و ترکیه.

برای مشخص شدن وضعیت ایران از نظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور، در جدول ۲ کشورهای منطقه از نظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور رتبه‌بندی شده‌اند. لازم به ذکر است که، کشورهای عراق، افغانستان و فلسطین در فهرست بانک جهانی وجود نداشتند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

همان طور که در جدول ۲ دیده می شود ایران از نظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور در منطقه بعد از کشورهای فلسطین اشغالی، امارات، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت و قزاقستان، در رتبه نهم قرار دارد. برای قرار گرفتن در رتبه اول منطقه لازم است پیش‌نیازهای نهادی تحقق اقتصاد دانش‌محور مانند ارزش‌های اخلاقی مرتبط را مورد بررسی قرار داد و با سرمایه‌گذاری برای ایجاد آنها زمینه‌های تحقق اقتصاد دانش‌محور را مهیا کرد.

جدول ۲. رتبهٔ کشورهای منطقه، در شاخص اقتصاد دانش‌محور در سال ۲۰۱۲

رتبه در منطقه	نام کشورها	رتبه در جهان	رتبه در منطقه	نام کشورها	رتبه در جهان
۱	فلسطین اشغالی	۲۴	۱۲	ترکیه	۷۹
۲	امارات	۴۱	۱۳	اردن	۸۱
۳	بحرین	۴۲	۱۴	لبنان	۸۲
۴	عربستان سعودی	۵۴	۱۵	قرقیزستان	۸۵
۵	عمان	۵۷	۱۶	گرجستان	۸۷
۶	قطر	۶۱	۱۷	ازبکستان	۹۵
۷	قزاقستان	۶۳	۱۸	مصر	۱۰۱
۸	کویت	۶۸	۱۹	تاجیکستان	۱۰۵
۹	ایران	۷۵	۲۰	سوریه	۱۰۷
۱۰	آذربایجان	۷۶	۲۱	پاکستان	۱۱۴
۱۱	ارمنستان	۷۸	۲۲	یمن	۱۲۷

منبع: بانک جهانی (۱۳۹۲)

۵. دانش، سرمایهٔ اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی

از سال‌های پایانی قرن بیستم، الگوی جدید اقتصاد دانش‌بنیان ظهور یافته و دستاوردهای فراوانی را به جامعهٔ بشری ارزانی داشته است. تنها کسانی می توانند از این دستاوردها بهره‌مند شوند که الزامات این الگوی جدید را به‌موقع ادراک و خود را با آن هماهنگ نمایند. یکی از ویژگی‌های اساسی این الگو، این است که مهم‌ترین عامل تولید دانش و خلق ارزش‌افزوده در آن دانش و نوآوری است. پس تحقق این الگو، نیازمند افزایش تولید علم و فناوری است. تولید علم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

و فناوری در عصر حاضر یک فرایند و فعالیت جمعی است. فعالیت های جمعی نیازمند مشارکت همهٔ دست‌اندرکاران آن فعالیت هستند. یک تیم فوتبال به‌شرطی می تواند به موفقیت دست یابد که اعضای تیم همدلانه با یکدیگر همکاری و مشارکت نمایند. یک تیم تولید دانش نیز نیازمند مشارکت همدلانه و فعال است. مشارکت جمعی نیازمند اعتماد و سرمایهٔ اجتماعی است. سرمایهٔ اجتماعی نیز محصول پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و تعهدات اجتماعی است. پس تأمین یکی از بسترها و شرایط اصلی تحقق اقتصاد دانش‌بنیان به عهدهٔ ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به آنهاست. ارزش‌های اخلاقی نیز از نظام‌های ارزشی و بیش از همه از دین استخراج می گردد. بنابراین از همین مجرا تحقق اقتصاد دانش‌بنیان با ارزش‌های اخلاقی و اقتصاد اسلامی ارتباط می‌یابد. در ادامه ابتدا در یک نمودار رابطهٔ فوق ارائه و سپس به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

نمودار۲. رابطهٔ تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، سرمایهٔ اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی

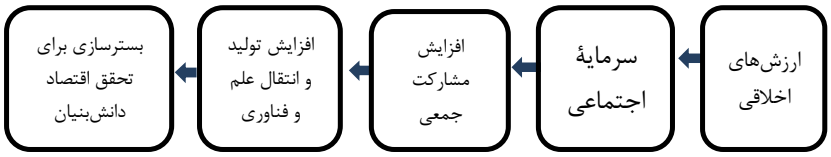

در عصر اقتصاد دانش‌محور اگر توسعه هدف اول یک کشور باشد، یکی از شرط‌های لازم آن، تحول اساسی و تغییر بنیادی در وضعیت تولید علم و فنّاوری است. توسعه فنّاوری، انتقال و جذب آن برای تحقق توسعه ملی در این عصر نقش بسیار مهمی دارد. بنابراین باید در این زمینه برنامه‌ریزی کرد. لازمه این امر شناخت دقیق فنّاوری است. «فنّاوری هرگونه دانش کاربردی است که در روش‌ها و مهارت‌های تولید، سازمان ها و یا ماشین‌آلات به کار می‌رود» (قاضی نوری، ۷:۱۳۸۳). فنّاوری یک ابزار نیست که با خرید از یک مکان به مکان دیگر منتقل شود. انتقال کارآمد فنّاوری مستلزم درک روش تولید آن است.

«بدون انتقال دانش، انتقال فنّاوری روی نمی دهد، چرا که دانش کلید کنترل فنّاوری است» (Li-Hua, 2003: 1). نوآوری و بهبود قابلیت‌های فنّاورانه در گروی انتقال دانش ضمنی است و تا دانش ضمنی که در اذهان استادان و متخصصان فن قرار دارد و از انباشت تجربه آنها

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

شکل گرفته، منتقل نشود، وضعیت تولید فنّاوری تغییری نمی کند. ایجاد انگیزۀ کافی که افـراد را به ارائه افکار، ایده‌ها و تجربیات‌شان ترغیـب کنـد، از راه هـای انتقـال دانـش ضـمنی اسـت. بنابراین عوامل فرهنگی و اجتماعی در انتقال دانش ضمنی و انتقال فنّـاوری بیشـترین نقـش را دارند.

«از جملـه نظریـات جامعـه‌شـناختی فنّـاوری کـه پارامترهـای اجتمـاعی را در پیـدایش، شکل‌گیری و توسعه فنّاوری مـورد بررسـی قـرار مـی دهـد، سـاخت‌گرایـی اجتمـاعی فنّـاوری (SCOT[1]) می‌باشد که معتقد است تولید ابزارها و تکنولوژی‌ها در نتیجه همکاری افراد، استفاده از مفاهیم، فنون و دستاوردهای مأخوذ از دیگران در حال و گذشته و اضافه شـدن فعالیـت‌هـا و دستکاری‌های جدید است. با این توضیح از دید SCOT، هم مصنوعات فیزیکی و هـم روابـط و پارامترهای اجتماعی تولیدکنندگان، صاحبان و مصرف‌کنندگان فنّاوری جـزء نظـام تکنولوژیـک هستند. کارکرد مـؤثر ابزارهـای فنّاورانـه نیـز بـه طـور اجتمـاعی شـکل مـی گیرنـد» (توکـل، ۲۹:۱۳۹۰).

منظور از انتقال فنّاوری، خرید فنّاوری به‌منظور دستیابی به آن نیست، بلکه بایـد همـراه بـا تجهیزات فنّاوری، فرایندهای تجزیـه تحلیـل آن، مهـارت‌هـای تجربـی لازم و فـوت و فـن‌هـای کاربردی نیز منتقل شود. انتقال فنّاوری به این مفهـوم صـرفاً بـه مناسـبات رسـمی و مبـادلات صریح محدود نمی شود، بلکه گستره‌ای از روابط غیررسمی و تعاملات ضمنی را نیز شـامل مـی شود. در واقع برای انتقال موفق فنّاوری باید از وجوه عمیق و ضمنی آن غافل نشد. انتقال دانش ضمنی که لازمه انتقال موفق فنّاوری است، بیش از هر چیز بعد اجتمـاعی فنّـاوری را مـنعکس می کند. «توسعه قابلیت‌های فنّاوری، فرایندی جمعی و زمان‌بر و مستلزم محیط نهادی مساعد، دسترسی به منابع مالی کافی، نیروی کـار مـاهر و متخصـص، قابلیـت‌هـای فنـی و مـدیریتی و پشتیبانی عرضه‌کننده است. محیط نهادی مساعد، امکان شکل‌گیری تعامل بـا ثبـات و مسـتمر برای یادگیری متقابل را میسر می‌کند و بر امکان دریافت لایه‌های عمیق‌تر فنّاوری مـی‌افزایـد» (اشتریان و امامی میبدی، ۱۳:۱۳۸۹). برای انتقال موفق فنّاوری بسترسازی برای انتقـال دانـش ضمنی اهمیت زیادی دارد.

«ایجاد ساختاری که افراد را به ارائه افکار، ایده‌ها و تجربیـات‌شـان ترغیـب کنـد، از راه هـای انتقـال دانش ضمنی است» (همان: ۱۴۴). «اعتماد نقش اصلی را در انتقال دانش ضمنی ایفا می کنـد. هر چه اعتماد میان اعضاء بیشتر باشد، آنها در اشتراک منابع، تبادل اطلاعات و انتقـال ایـده‌هـا،

1. Social Construction of Technology

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

فنون و تجارب منحصر به فرد خویش بازتر عمل می‌کنند و بنابراین گسترهٔ بیشتری از دانش ضمنی منتقل می شود» (همان). به‌این‌ترتیب مشخص می شود که ارتقاء سطح فنّاوری وابسته به انتقال دانش ضمنی و انتقال دانش ضمنی نیز در گروی انجام کارهای گروهی است. «ارتباطات پویا و تعاملات آزاد علمی در سطوح بالای سرمایه اجتماعی حاصل می شود، در حالی که ارتباطات ضعیف و شکننده در سطوح پایین سرمایه اجتماعی ارزیابی می‌شوند» (Chinying, 2006: 89).

نمودار۳. نقش سرمایه اجتماعی در گسترش فنّاوری و تحقق اقتصاد دانش‌محور

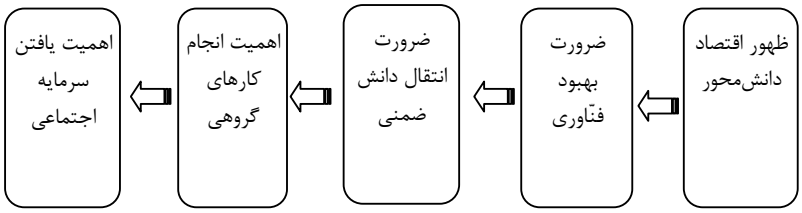

سرمایه اجتماعی با ابعاد مختلف خود نقشی اساسی در انتقال دانش ضمنی و توسعه فنّاوری دارد. در یکی از دسته‌بندی‌های صورت گرفته، سرمایه اجتماعی به سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی تقسیم می شود (Nahapiet and Ghoshal, 1998: 256).

بعد ساختاری سه عنصر را در بر دارد: ۱- پیوندهای موجود در شبکه، شامل وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه، ۲- شکل و ترکیب شبکه: شامل سلسله‌مراتب شبکه و میزان ارتباط‌پذیری و تراکم شبکه و ۳- تناسب سازمانی به این معنا که تا چه اندازه‌ای شبکه ایجادشده برای یک هدف خاص ممکن است برای اهداف دیگر استفاده شود. «ساختارهای تحت لوای دولت، سازمان ها، شبکه‌ها، انجمن‌ها و مؤسسات، سرمایه اجتماعی ساختاری را تشکیل می دهند» (مالهوترا، ۳۸:۱۳۸۲). «سرمایه اجتماعی ساختاری، به اشتراک گذاشتن اطلاعات و کارهای جمعی را از طریق کنش‌های تثبیت شده، شبکه‌های اجتماعی و دیگر ساختارهای اجتماعی که با قوانین، تشریفات و رسوم حمایت می‌شوند، را تسهیل می کند» (علمی، ۲۵۵:۱۳۸۴). نظریه‌پردازان شبکه اجتماعی بیان می‌دارند که منابع ساختاری روابط اجتماعی، از طریق راه های زیر موجب تشکیل منابع اطلاعاتی و دانش می‌شوند:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱- توسعه دسترسی به اطلاعات ارزشمند و اشاعه دانش، ۲- صرفه‌جویی در زمان به‌نحوی‌که افراد با استفاده از پیوندهای شبکه‌ای و روابط اجتماعی دانش و اطلاعات را بسیار سریع‌تر به‌دست می‌آورند، ۳- توسعه روابطی که افراد را از طریق تأثیر بر موقعیت‌های ترکیب و تبادل دانش و سرمایه فکری، از اطلاعات و فرصت‌های در دسترس بهره‌مند می سازد.

بعد شناختی دربردارنده دو عنصر زبان و علائم مشترک و روایت‌های مشترک است. «بیشتر عناصر ذهنی نامشهود مثل نگرش‌های مورد قبول عموم و هنجارهای رفتاری، همکاری و خیرخواهی سرمایه اجتماعی شناختی را تشکیل می دهند» (مالهوترا، ۳۸:۱۳۸۲). وجود زبان مشترک هم در ارتباطات نمادین و هم در روابط عملی نه تنها برای انتقال دانش مفید است بلکه برای ایجاد همگرایی دانش، در بین حوزه‌های کاری سازمان و پدید آوردن چهارچوب‌های شناختی مشترک بسیار ضروری است.

بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی نیز شامل اعتماد، تعهدات و روابط متقابل است. ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی تأثیر مستقیمی بر بعد رابطه‌ای آن دارد و نتیجه این تأثیر خود را در تبادل منابع، ترکیب و تولید دانش جدید نشان می دهد. سرمایه اجتماعی با ویژگی‌هایی که دارد از مجاری مختلف زمینه‌های تحقق اقتصاد دانش‌محور را مهیا می‌کند. در ادامه ضمن تشریح ویژگی‌های اقتصاد دانش‌محور، چگونگی تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی در مهیاکردن زمینه‌های لازم جهت تحقق اقتصاد دانش محور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵. کاهش نا اطمینانی و هزینه‌های مبادله

وقتی مبادله‌ای در بازار صورت می‌گیرد، دو بسته از حقوق مالکیت رد و بدل می شود (Demstez, 1967: 1). تعیین حقوق مالکیت و حمایت از این حقوق مستلزم صرف هزینه‌هایی است که نورث از آنها به‌عنوان هزینه مبادله نام می‌برد (نورث، ۱۰۵:۱۳۸۵). «هزینه‌های مبادله مشتمل‌اند بر منابع لازم برای اندازه‌گیری ویژگی‌های مادی و صفات حقوقی که مبادله شده‌اند، هزینه‌های مراقبت بر اجرای قرارداد و کاهش عدم اطمینان که نشان‌گر میزان کاستی‌های سنجش و اجرای شرایط مبادله است» (همان: ۱۲۱). در واقع هزینه مبادله، شامل هزینه‌هایی است که مستقیماً به تولید نمی‌انجامند.

«شرایط به وجود آورنده هزینه‌های مبادله را می توان به دو دسته هزینه‌های ناشی از شرایط محیطی[1] و هزینه‌های ناشی از شرایط رفتاری[1] تقسیم کرد. شرایط محیطی عبارتند از

1. Environment Condition

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

عدم تقارن اطلاعات، عدم اطمینان، مشکل اندازه‌گیری و تصریح مالکیت دارایی و شرایط رفتاری شامل فرصت طلبی، عقلانیت محدود و ریسک‌گریزی است» (سامتی،۱۳۸۲:۱۰۸). با وقوع انقلاب دانش‌محور ما شاهد افزایش هزینه‌های مبادلاتی به قاعده دگرگونی‌های عظیمی که در این عصر در شرایط محیطی و رفتاری ایجاد شده است، می‌باشیم. از جمله این دگرگونی‌ها که منجر به افزایش هزینه مبادله گردیده است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- در اقتصاد دانش‌محور کلیه فعالیت های اقتصادی به شکلی بر دانایی متکی است و «اقتصاد به صورت فزاینده‌ای براساس دانش و به طور کلی دارایی‌های نامحسوس بنا شده است» (Schiliro, 2010: 1). در این عصر، ایده‌ها موتور خلق ارزش‌افزوده شده‌اند و بازار ایده‌ها از طیف گسترده‌ای از نارسایی‌ها و پارادوکس‌ها رنج می‌برد به این دلیل که «تا زمانی که موضوع ایده جدید آشکار نشود، ارزش آن برای متقاضیان آشکار نیست و هنگامی هم که موضوع مزبور آشکار شود، متقاضی برای پرداخت هزینه بی‌انگیزه می شود. اینگونه است که بازار ایده‌های جدید با نوعی عدم اطمینان روبرو است. از یک طرف تقاضا کننده تا نسبت به آن آگاه نشود، برای پرداخت هزینه‌های مربوط نامطمئن است و از سوی دیگر، عرضه‌کنندگان می دانند که با آگاهی، خریدار ممکن است در معرض رفتار فرصت‌طلبانه قرار گرفته و او از پرداخت هزینه‌های مربوطه منصرف گردد» (Arrow, 1959: 10).

بنابراین با تبدیل ایده‌ها به موتور خلق ارزش‌افزوده بازارها با نوعی عدم اطمینان جدید مواجه می‌شوند که این امر به افزایش هزینه‌های مبادله در عصر اقتصاد دانش‌محور می‌انجامد.

۲- انقلاب دانایی و پیشرفت‌های فناوری چه در قالب تولید محصول جدید و چه در قالب بهبود فرایندهای تولید، امواج بی‌سابقه‌ای از شکاف‌های اطلاعاتی و تشدید عدم تقارن اطلاعات را پدید آورده و اطلاعات نامتقارن زمینه‌ساز رفتارهای فرصت‌طلبانه است. همچنان که گفته شد، در عصر اقتصاد دانش‌محور، دانش و ایده‌ها موتور خلق ارزش‌افزوده هستند که کالاهایی غیر ملموس می‌باشند. بنابراین در این عصر، اندازه‌گیری صفات کالاها و خدمات عرضه‌شده مشکل‌تر و پرهزینه‌تر است و «هرچه اندازه‌گیری این صفات ناقص‌تر و از دقت کمتری برخوردار باشد، مشارکت‌کنندگان در دادوستد، بیشتر مجال می‌یابند از یکدیگر سوء[2] استفاده کنند» (نورث، ۱۳۸۹:۳۱۵). این امر باعث شده تا هزینه‌های اجرا و نظارت بر قراردادها افزایش یابد.

1. Behavioral Condition
2. Advantage

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۳- «انقلاب انفورماتیکی و انقلاب الکترونیکی هر کدام به گونه‌ای نقش ایفا کرده‌اند تا در هر یک از عرصه‌های حیات جمعی انسان‌ها دگرگونی‌های بنیادی در زمینه ارتباطات و چگونگی برقراری تبادل میان انسان‌ها، گروه‌ها، سازمان ها و حتی کشورها صورت پذیرد. پیشرفت های علمی فنی جدید هزینه‌های ارتباطات و حمل و نقل را با کاهش‌های خارق العاده روبه‌رو ساخته است و این مساله به نوبه خود ارتباطات و تعامل میان انسان‌ها را تسهیل و افزایش می دهد. این تعاملات هم جنبهٔ فردی دارد و هم جنبهٔ سازمانی. این موضوع باعث شده بخش عمده‌ای از مبادلات در عصر فعلی حالت غیرتکراری داشته باشد» (مؤمنی، ۱۳۸۸:۲۶۳-۲۶۴). از طرفی «هرچه تعداد تکرار مبادلات بیشتر باشد، عملکرد بازار کاراتر است» (ویلیامسون، ۱۳۸۹:۲۴۸). اگر مبادلات به شکل منظم روی دهد، روال مشخص و درک متقابل ناگفته‌ای پدید می‌آید که ضرورت به‌کارگیری سازوکارهای رسمی ضمانت اجرا را کاهش می دهد.

بنابراین افزایش تعاملات و به دنبال آن غیرتکراری بودن مبادلات نیز زمینه بروز انواع عدم اطمینان‌ها و افزایش هزینه مبادله را در عصر اقتصاد دانش‌محور مهیا می کند.

نمودار۴. ویژگی‌های اقتصاد دانش‌محور و افزایش هزینه مبادله

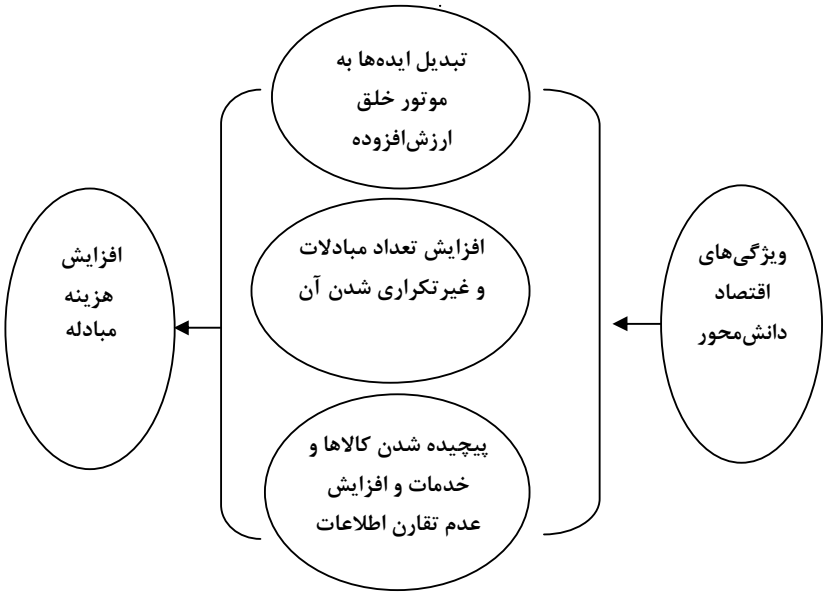

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

هزینه مبادله شامل هزینه‌های کسب و جمع‌آوری اطلاعات، مراقبت کردن، هماهنگی و اجرای قراردادهاست. دگرگونی‌های اساسی ایجادشده توسط انقلاب دانایی اعم از تبدیل ایده‌ها به موتور خلق ارزش‌افزوده، افزایش تعامل بین انسان‌ها و جوامع و پیشرفت‌های فناوری، چه در قالب تولید محصول جدید و چه، در قالب بهبود فرایند تولید محصولات، امواج بی‌سابقه‌ای از شکاف‌های اطلاعاتی و تشدید عدم تقارن اطلاعات را پدید آورده است.

عدم اطمینان‌های ناشی از این امر منجر به افزایش هزینه‌های مبادله و شکل نگرفتن مبادلات می شود، درصورتی‌که کاربست فناوری جدید در عصر فعلی نیازمند تخصصی شدن و تقسیم‌کار در مقیاس قابل توجه است. «تخصصی شدن مستلزم آن است که درصد فزاینده‌ای از منابع جامعه درگیر مبادلات باشند، به طوری که مبادلات سهم قابل توجهی از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص دهند» (نورث، ۱۳۸۵:۱۹۰). بنابراین برای ورود به عصر دانایی باید شرایط نهادی جامعه به گونه‌ای باشد که این عدم اطمینان‌ها و هزینه‌های مبادله را تا حد ممکن کاهش دهد. سرمایه اجتماعی در کاهش هزینه‌های مبادلاتی نقش مهمی ایفا می کند.

سرمایه اجتماعی با گسترش اعتماد در میان مردم، رواج هنجارها و ارزش های مشترک و ایجاد شبکه‌های روابط اقتصادی مختلف، موجب می شود که هزینه معاملاتی به طور محسوسی کاهش پیدا کند. فوکویاما اعتقاد داشت جوامع و شبکه‌هایی که اعتماد بین آنها وجود ندارد، مجبورند بر پایه نظم رسمی و قراردادهای دفتری به نظم و تعادل برسند. به‌این‌ترتیب آنان مجبور به استفاده از قراردادهای از پیش تنظیم‌شده و هزینه‌های همراه آن خواهند بود. این هزینه‌ها، هزینه‌هایی هستند که در صورت وجود سرمایه اجتماعی و اعتماد وجود نخواهند داشت (Fussell, 2006).

«از آنجا که سرمایه اجتماعی با افزایش اعتماد عام، مشارکت سازمان یافته و عقلانی در فعالیت های اجتماعی، همیاری گسترده و احترام عمومی به ترتیبات قانونی و قواعد رسمی و غیررسمی ناظر بر رفتارهای اجتماعی را افزایش می دهد، طبیعی است که هرچه ویژگی‌های یاد شده در جامعه‌ای به طور گسترده‌تر وجود داشته باشد، رفتارهای دو طرف مبادله قابلیت بالاتری برای پیش‌بینی پیدا می کند یعنی رفتارهای واقعی یک طرف مبادله با انتظاراتی که طرف دیگر از او دارد، سازگارتر است. از این رو برنامه‌های افراد بیشتر به واقع نزدیک می شود. به دیگر سخن، خطای پیش بینی کاهش می‌یابد و در برنامه‌های ما هزینه‌های پیش بینی نشده ناشی از رفتارهای خلاف قانون یا خلاف قاعده و انتظار طرف‌های مقابل به حداقل می‌رسد و این به معنای کاهش هزینه مبادله است» (رنانی و مویدفر: ۱۳۹۰،۶۰-۵۹). بنابراین سرمایه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

اجتماعی به‌عنوان مجموعه هنجارهای اجتماعی که اعتماد و پایبندی به تعهدات را باعث می‌شود، می تواند نقش مهمی در کاهش هزینه‌های مبادله ایفا کند.

از طرف دیگر اطلاعات ارتباط نزدیکی با نا اطمینانی دارد. هر چه اطلاعات بیشتر و شفاف‌تر باشد درجه نا اطمینانی پایین‌تر است. «شکل مهمی از سرمایه اجتماعی توان دستیابی به اطلاعات است که با روابط اجتماعی پیوند ذاتی و لازم و ملزوم دارد. اهمیت اطلاعات از این نظر است که مبنایی برای عمل فرد فراهم می‌آورد. اما اخذ اطلاعات هزینه‌بر است در یک مقیاس «حداقلی» دستیابی به اطلاعات مستلزم دقت است که بسیار کمیاب است. یک وسیله که با آن بتوان به اطلاعات دست یافت، استفاده از روابط اجتماعی است» (تاج‌بخش، ۶۱:۱۳۸۴).

میزان بالای سرمایه اجتماعی، نتیجه تعاملات زیاد اجتماعی است. به همین دلیل با بالا رفتن سرمایه اجتماعی، چرخش اطلاعات بیشتر می شود و ناهمگونی و عدم تقارن اطلاعات کاهش می‌یابد. این کاهش عدم تقارن اطلاعاتی باعث کاهش هزینه مبادله می شود. با کاهش هزینه مبادله امکان مبادله و تخصصی شدن امور بیشتر می شود.

نمودار ۵. تأثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش هزینه مبادله و تحقق اقتصاد دانش‌محور

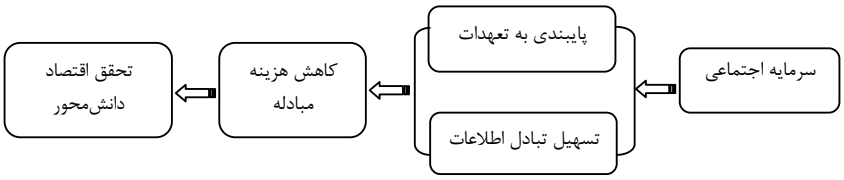

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۵. تضمین حقوق مالکیت

هسته مرکزی اقتصاد دانش‌محور تولید، انتشار و بهره‌برداری از دانش است؛ به‌طوری که موقعیت سازمان ها و بنگاه ها در گرو این مساله است که تا چه میزان به این مؤلفه‌ها پایبند باشند. «اینکه مدیریت جامعه تا چه حد قادر به تهییج و تشویق افراد جهت بهره‌برداری بهینه از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود باشد، بستگی به درجه اعتماد، حمایت و ضمانت پاداش تلاش‌های آنها دارد» (متوسلی، ۱۵۴:۱۳۸۹). به‌عبارت‌دیگر تلاش افراد در تولید دانش تابع تأمین و تضمین حقوق مالکیت آنهاست. حقوق مالکیت یکی از نهادهای تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

است. «حقوق مالکیت اگر به خوبی ایجاد شده باشد بهره‌وری و عملکـرد اقتصـادی را ارتقـا مـی دهد» (North, 1968: 1).

در اقتصاد دانش‌محور حقوق مالکیت نقش مهم‌تری را به عهده دارد و بدون آن، تولید دانش که موتور محرک اقتصادهای مدرن است، بسیار مشکل می گردد. چرا که از جملـه ویژگـی‌هـای دانش این است که اثرات خارجی وسیعی از ناحیه سـرریزها دارد، در نتیجـه بـازدهی اجتمـاعی فعالیت های مرتبط با دانش خیلی زیادند. در حضور اثرات خارجی، مخترعان باید انتظار داشـته باشـند کـه کمتـر از بـازدهی اجتمـاعی اختـراع‌شـان پـول دریافـت کننـد و در نتیجـه کمتـر سرمایه‌گذاری می‌کنند (Foray, 2000: 3-5). یکی از کارکردهای حقوق مالکیت درونی کـردن اثرات خارجی برای فرد است. این عامل سبب ایجاد انگیزه برای تولید دانش می شود.

«نهادهایی ماننـد مالکیـت، امنیـت، حقـوق کـار و ماننـد اینهـا، تـأثیر کلیـدی فراوانـی بـر تصمیم‌گیری کنشگران اقتصادی ایفا می‌کنند» (نورث، ۲۲۹:۱۳۷۹) و همچنین به انگیـزه‌هـای افراد در جوامع شکل می دهند. ضعف حقوق مالکیت موجب ناامنی و عدم اطمینـان مـی شـود. عدم اطمینان نسبت به امنیت مالکیت و تصاحب منافع حاصل از سرمایه‌گـذاری و توانـایی‌هـای افراد موجب کاهش انگیزه انباشت ذخایر (اعم از ذخایر فیزیکی و انسـانی) مـی شـود و فعالیـت هایی که نیاز به سرمایه و دانش بیشتر دارند، از گردونه رقابت خارج می‌شوند.

در عصر دانش‌محور به علت تبدیل ایده‌ها و دانش به موتور خلق ارزش‌افزوده حقوق مالکیت نقش مهم‌تری به عهده دارد. زیرا همان طور که ویلیامسون اظهار می‌دارد، هر چـه دارایـی‌هـای اختصاصی بیشتر باشند، نیاز به دوام رابطه معاملاتی بیشتر احساس می شود و ازآنجاکه به علت عقلانیت محدود تمام قراردادهای پیچیـده بـه طـور اجتنـاب‌ناپـذیری ناکامـل هسـتند، چنـین معاملاتی حمایت بیشتر حقوق مالکیت را طلب می‌کنند (Williamson, 2005). از طرف دیگـر چون «تعریف تمامی ابعاد حقوق مالکیت در قراردادهای بلندمدت امکـان‌پـذیر نیسـت، چـاره‌ای جز این باقی نمی‌ماند که اعمال بخشی از حقوق را به افراد و جامعه واگذار کنیم. در این جاست که نقش هنجارها در تعیین و اعمال حقوق مالکیـت پررنـگ‌تـر مـی شـود و سـرمایه اجتمـاعی اهمیت می‌یابد» (فتح‌اللهی، ۱۶۶:۱۳۹۱).

اگر دولت‌ها تمام تلاش خود را برای حمایت از حقـوق مالکیـت و اجـرای قراردادهـا صـرف کنند، باز هم دستیابی آنها به اطلاعات و حمایت دولت از مالکیت خصوصی ذاتاً محدود است. بـا افزایش سرمایه اجتماعی پایبندی افراد به تعهـدات‌شـان بیشـتر و بسـته‌هـای حقـوق مـالکیتی تضمین‌شده‌تر خواهند بود. چنین فضایی انگیزه تولید دانش در افراد را افزایش خواهد داد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

نمودار۶. تأثیر سرمایه اجتماعی در تضمین حقوق مالکیت و ایجاد انگیزه تولید دانش

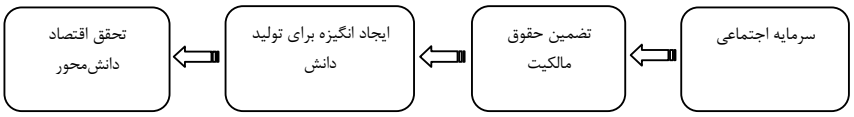

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۵. توسعه سرمایه انسانی

شولتز در بررسی‌های خود نشان داده است که «تفاوت کیفی بین کشورهاست که گروهی را توسعه یافته کرده است و گروهی را عقب مانده، و این تفاوت کیفی ریشه در توانایی‌های اکتسابی افراد دارد» (شولتز، ۵۰:۱۳۷۰). در عصر حاضر بیش‌ازپیش، مساله سرمایه‌گذاری بر روی انسان‌ها مطرح می شود. فعالیت های مبتنی بر دانش نیازمند آگاهی‌ها و آمادگی‌های پایه‌ای است که اکثریت وزن آن را سرمایه انسانی کارا تشکیل می دهد.

در عصر اقتصاد دانش‌محور، نهاده اصلی اقتصاد که همان، دانش مولد است، نتیجه سرمایه انسانی مولد می‌باشد. تولید و انباشت دانش توسط انسان صورت می‌گیرد، بنابراین توجه به سرمایه انسانی ضرورت می‌یابد. سرمایه انسانی عبارت است از «دانشی که افراد در طول زندگی به دست می‌آورند و جهت تولید کالاهای خدماتی یا اندیشه‌های بازاری یا غیر بازاری استفاده می‌کنند» (OECD, 1996: 22).

سرمایه انسانی، آموزش‌ها، تخصص‌ها، مهارت‌ها و به طور کلی مجموعه عواملی است که منجر به کیفیت نیروی انسانی می شود. این عوامل ظرفیت‌های تولیدی انسان را توسعه می دهند و از این طریق، موجب افزایش بازدهی نیروی کار می‌شوند. پائولو فریره[1] معتقد است «هر چه قدر آگاهی‌های افراد در حوزه تولید بالاتر و به‌روزتر باشد، مشکلات در زمینه فهم روند تغییرات در فنّاوری و بازار کار کمتر شده و تطبیق کارگران سریع‌تر و با آگاهی بیشتر انجام می شود. از این روست که افراد می توانند وارد مشارکت سازنده در کلیه امور جامعه بخصوص در زمینه تولید شوند» (فریره، ۱۳۶۳:۳۶).

در اقتصاد دانش‌محور که از ویژگی‌های بارز آن تغییرات مداوم در بازار کار و تغییرات در فنّاوری است، سرمایه انسانی اهمیت فزاینده می‌یابد. در اقتصاد دانش‌محور تقاضا برای

1. Paulo Freire

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مهارت‌هایی که بتوانند با سیستم‌های پیچیده کار کنند، افزایش می‌یابد. به همین دلیل نیروی کار بسیار ماهر بخش اعظم عوامل تولید و اقتصاد جدید را تشکیل می دهد. لذا دولت‌های جهان اعم از صنعتی و در حال توسعه، مصمم شده‌اند تا آموزش و کسب مهارت‌ها را به سمت اقتصاد دانش‌محور متحول سازند.

بنابراین سرمایه‌گذاری برای آموزش و افزایش مهارت‌های افراد جامعه در عصر دانش‌محور بیش از گذشته ضروری است. سرمایه اجتماعی، هم در خانواده و هم، در اجتماع نقش مهمی را در ایجاد سرمایه انسانی ایفا می کند. «کلمن سرمایه انسانی را به‌عنوان هدف نهایی مطرح و سرمایه اجتماعی را به‌عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار می برد. به عبارتی، کلمن سعی در شناخت نقش هنجارها در داخل خانواده یا شبکه های اجتماعی داشت تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه های انسانی شود» (کلمن، ۴۷۶:۱۳۷۷).

نمودار۷. نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی و تحقق اقتصاد دانش‌محور

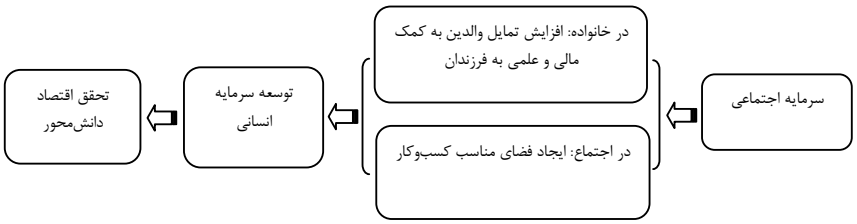

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۵. انتشار دانش و گسترش فنّاوری

در عصر دانش‌محور توسعه فنّاوری، انتقال و جذب آن برای تحقق توسعه ملی بسیار ضروری و مهم بوده و بدون انتقال دانش، انتقال فنّاوری روی نمی دهد، چرا که دانش کلید کنترل فنّاوری است. بنابراین بهبود قابلیت‌های فنّاورانه در گروی انتقال دانش ضمنی و ایجاد انگیزه کافی که افراد را به ارائه افکار، ایده‌ها و تجربیات‌شان ترغیب کند، از راه های انتقال دانش ضمنی است. اعتماد نقش اصلی را در انتقال دانش ضمنی ایفا می کند. هر چه اعتماد میان اعضاء بیشتر باشد، آنها در اشتراک منابع، تبادل اطلاعات و انتقال ایده‌ها، فنون و تجارب منحصربه‌فرد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

خویش بازتر عمل می‌کنند و بنابراین گسترهٔ بیشتری از دانش ضمنی منتقل می شود. در واقع ارتقاء سطح فنّاوری وابسته به انتقال دانش ضمنی و انتقال دانش ضمنی نیز در گروی انجام کارهای گروهی است. ارتباطات پویا و تعاملات آزاد علمی در سطوح بالای سرمایه اجتماعی حاصل می شود. سرمایه اجتماعی با سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی زمینه‌های لازم جهت انتقال دانش ضمنی را مهیا می کند.

نمودار۸. نقش سرمایه اجتماعی و کانال‌های تأثیرگذاری آن در تحقق اقتصاد دانش‌محور

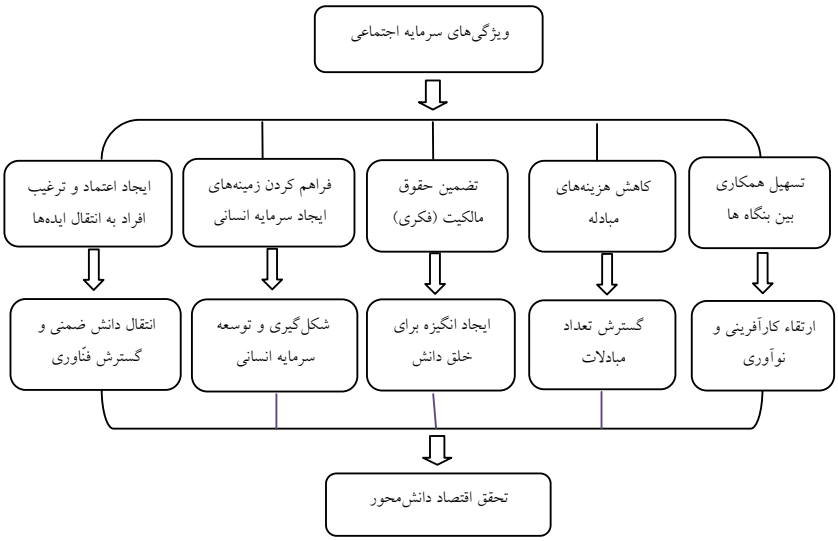

منبع: یافته‌های پژوهش

۶. رابطهٔ ارزش‌های اخلاقی و تحقق اقتصاد دانش‌بنیان

یکی از دستاوردهای اقتصاد نهادی توجه به ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی افراد و جوامع است. در این راستا ویلیامسون با ارائه الگوی مشهور به چهار سطح تحلیل اجتماعی، تلاش نمود تا یک الگو برای تبیین سازوکار تأثیرگذاری متقابل ارزش‌های اخلاقی و عملکرد اقتصادی ارائه نماید. در ادامه از طریق بازسازی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

الگوی ویلیامسون تلاش می شود به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده شود. مراحل مختلف سطوح تحلیل اجتماعی ویلیامسون عبارتند از:

سطح اول: در الگوی ویلیامسون، سطح و لایه زیـرین هـر جامعـه کـه عملکـرد اقتصـادی-اجتماعی آن جامعه را شکل می دهد، ارزش‌هـای اخلاقـی اسـت. برخـی از ارزش‌هـای اخلاقـی تأثیرگذار بر تحقق اقتصاد دانش‌محور عبارتند از: علم‌باوری و فصل‌الخطاب بودن علـم و دانـایی، احساس مسؤولیت افراد نسبت به تمام رفتارهای خود و در نتیجه، اجتناب از تصـدی و مداخلـه در امور غیرتخصصی، راستگویی، درستکاری، ممنوعیت فرصت‌طلبی و سواری مجـانی و روحیـه دگرخواهی. ایـن ارزش‌هـای اخلاقـی موجـب پیـدایش الگوهـای شـناخت، انتخـاب و عملکـرد اجتماعی و به تعبیر دیگر نهادهای غیررسمی می‌شـوند. نهادهـای غیررسـمی برخاسـته از ایـن ارزش‌های اخلاقی عبارتند از: احترام به دانـش، دانشـجویان و دانشـمندان، جهـت‌گیـری نظـام پاداش‌دهـی اجتمـاعی-اقتصـادی بـه سـمت اعطـای امتیـازات بـه دانشـجویان، کارشناسـان و متخصصان، قبح اجتماعی پذیرش مسؤولیت بدون داشتن تخصـص و تجربـه کـافی، احتـرام بـه حقوق مالکیت، نهادینه شدن اعتماد، نهادینه شدن تعاون و همکاری.

سطح دوم: در این سطح، بر اساس نهادهای غیررسمی سطح اول، تقاضا برای وضع قـوانین رسمی کشور به‌منظور عملیاتی شدن نهادهای غیررسمی شکل می‌گیرد. برخـی قـوانینی کـه از نهادهای غیررسمی پیش‌گفته، تقاضا برای وضع آنها پدیدار می شود، عبارتند از: قوانین ناظر بـر ممنوعیت اظهارنظر بدون داشـتن صـلاحیت علمـی معتبـر، قـوانین نـاظر بـر تضـمین امنیـت همه‌جانبه مجتهدان رشته‌های مختلف علم در اظهارنظر و تحلیل‌هـای علمـی، قـوانین نـاظر بـر اعطـای دسـتمزدها و پـاداش‌هـای اجتمـاعی بـر اسـاس میـزان علـم و دانـایی افـراد، قـوانین تضمین‌کننده حقوق مالکیت به طور کلی از جمله مالکیـت فکـری، تحکـیم تعـاون و همکـاری عمومی و شکل‌گیری قوانین و سازمان های تحقق‌بخش همکاری عمومی در زمینه‌های مختلـف مانند پژوهش، خلق دانش و نوآوری، قـوانینی کـه هزینـه فرصـت تعـدی بـه حقـوق دیگـران و خدشه‌دار کردن اعتماد اجتماعی را بسیار سنگین کند.

سطح سوم: کـارکرد انتظـاری از سـطح اول، شـکل گـرفتن ارزش‌هـای اخلاقـی و نهـادی غیررسمی کارا و سازگار با توسعه و تحقق اقتصاد دانش‌محور اسـت. کـارکرد انتظـاری از سـطح دوم، ایجاد تقاضا برای وضع قوانین تضمین‌کننده اجرا و عملیـاتی نمـودن نهادهـای غیررسـمی پذیرفته‌شده در سطح اول است. در چهارچوب الگوی ویلیامسون تقاضاهای ایجادشده منجـر بـه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

وضع قوانین لازم می گردد. در صورت تحقق کارکردهای انتظاری سطح اول و دوم، در سطح سوم تدبیر شایسته امور تحقق می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر قوانین کارای وضع‌شده در سطح دوم منجر به اداره صحیح امور اجتماعی و حل و فصل درست مسایل و مشکلات در سطح سوم می گردد. تدبیر شایسته امور درباره قوانین سطح دوم، منجر به تمرکز سازمان های اجتماعی و اقتصادی مختلف بر کسب و خلق دانش و نوآوری، افزایش نرخ خلق دانش و نوآوری، پایبندی مردم و مدیران به منحصر کردن اظهارنظر در امور تخصصی، بسط نهادها و سازمان های کارشناسی مشورتی، انحصار تصدی امور اجرایی به افراد دارای دانش و تجربه کافی.

سطح چهارم: اگر نهادهای سطوح قبل به طور کامل و شایسته با الزامات اقتصاد دانش‌بنیان تعریف و اجرا شده باشند، در سطح چهارم جامعه دانایی‌محور تحقق می‌یابد.

بنابراین همچنان که بر اساس الگوی ویلیامسون نشان داده شد، تحقق هر عملکرد مطلوب اجتماعی، مبتنی و مستند به ارزش‌های اخلاقی سطح اول است که نهادهای رسمی، قوانین و شیوهٔ تدبیر اجتماعی از آن برمی‌خیزد. و عملکرد اجتماعی بر اساس آنها شکل می‌گیرد. اقتصاد دانش‌بنیان نیز به‌عنوان یک نظام زندگی اجتماعی و هم به‌عنوان یک الگوی جدید تولید، فقط در چهارچوب و بر اساس یک مجموعهٔ نهادی خاص مانند نهادهای تولیدکننده و افزایش‌دهندهٔ سطح سرمایهٔ اجتماعی قابل شکل‌گیری است. شکل‌گیری این نهادها نیز مستلزم حضور و وجود ارزش‌های اخلاقی خاص است. تبیین ارزش‌های اخلاقی مورد نیاز برای شکل‌گیری نهادهای بسترساز تحقق اقتصاد دانش‌محور خود بحث گسترده‌ای است و فرصت پژوهشی مستقلی می‌طلبد.

جمع‌بندی و نتیجه گیری

- در دو دههٔ اخیر، دنیا شاهد ظهور الگوی تولید جدید اقتصاد دانش‌محور بوده است. اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که در آن همهٔ فعالیت‌ها بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش صورت می‌گیرد. یکی از ویژگی‌های اساسی الگوی اقتصاد دانش‌محور این است که مهم‌ترین عامل تولید دانش و خلق ارزش‌افزوده در آن دانش و نوآوری است. پس تحقق این الگو، نیازمند افزایش تولید علم و فناوری است. ازاین رو، عوامل مؤثر بر تولید دانش، اهمیت دو چندان می‌یابند.
- همچنان که آمارها نشان می دهد، ایران از نظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور در منطقه در رتبه نهم قرار دارد. برای قرار گرفتن در رتبه اول منطقه لازم است پیش‌نیازهای نهادی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

تحقق اقتصاد دانش‌محور مانند سرمایهٔ اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی مرتبط را مورد بررسی قرار داد و با سرمایه‌گذاری برای ایجاد آنها زمینه‌های تحقق اقتصاد دانش‌محور را مهیا کرد.

- به طور کلی، فرایند تولید دانش، یک فرایند جمعی و پس نیازمند مشارکت جمعی و مشارکت نیز نیازمند اعتماد و سرمایهٔ اجتماعی است. ازاین رو سطح تولید دانش، تابعی از میزان سرمایهٔ اجتماعی در کشور و سرمایهٔ اجتماعی نیز محصول پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و تعهدات اجتماعی است. در نتیجه، تحقق اقتصاد دانش‌بنیان با ارزش‌های اخلاقی و سایر عوامل مؤثر بر پیدایش سرمایهٔ اجتماعی پیوند جدی و زیربنایی می‌یابد. در نتیجه، یکی از جنبه‌های تحقق اقتصاد دانش‌محور، ارتباط آن با ارزش‌های اخلاقی است.
- سرمایه اجتماعی، شامل مجموعهٔ سرمایه‌ها و منابعی است که افراد از طریق پیوند با یکدیگر می توانند به آن دسترسی داشته باشند مانند هنجارها و شبکه‌هایی که کنش‌های جمعی را به‌منظور بهره‌گیری از مزایای فراوان آن تسهیل می‌نمایند.
- پایبندی به ارزش‌های اخلاقی سبب ایجاد سرمایهٔ اجتماعی می گردد. سرمایهٔ اجتماعی نیز از طریق افزایش اعتماد زمینهٔ افزایش مشارکت عمومی و انجام فعالیت های جمعی را فراهم می‌آورد. تولید علم بویژه دانش ضمنی نیز یک فرایند جمعی است. بهبود بستر انجام فعالیت های جمعی موجب زمینه‌سازی برای افزایش تولید و انتقال علم و فناوری و تحقق اقتصاد دانش‌بنیان می شود. در نتیجه یکی از پیش‌نیازهای اساسی تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی است.
- افزون بر بسترسازی برای انجام فعالیت های جمعی و تولید و انتقال دانش، برخی از مجراهای دیگری که سرمایهٔ اجتماعی از طریق آنها تحقق اقتصاد دانش‌بنیان را تسهیل می کند، عبارتند از: افزایش پایبندی به تعهدات و تسهیل تبادل اطلاعات که این دو منجر به کاهش هزینهٔ مبادله، تخصص‌گرایی و تحقق اقتصاد دانش‌محور می‌شوند؛ تضمین حقوق مالکیت که انگیزه برای تولید دانش را افزایش می دهد و از این طریق به تحقق اقتصاد دانش‌بنیان کمک می کند؛ کمک به توسعهٔ سرمایهٔ انسانی که یکی از پیش‌نیازهای اساسی تحقق اقتصاد دانش‌بنیان است.
- ارزش‌های اخلاقی طیف بسیار گسترده‌ای را تشکیل می دهند که شامل ارزش‌های تشکیل‌دهندهٔ جهان‌بینی و ایدئولوژی می‌باشد. در این مقاله، به‌تناسب موضوع، مراد از ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌هایی است که به رفتارهای اقتصادی شکل و جهت می دهد. مانند ارزش‌هایی که بر ساختار انگیزشی افراد مؤثر هستند، علم‌باوری و فصل‌الخطاب بودن علم و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

دانایی، احساس مسؤولیت افراد نسبت به تمام رفتارهای خود و در نتیجه، اجتناب از تصدی و مداخله در امور غیرتخصصی، راستگویی، درستکاری و پایبندی به حقوق دیگران بویژه حقوق مالکیت. نهادینه شدن این ارزش‌ها در جامعه، می تواند زمینه تحقق اقتصاد دانش‌محور را فراهم نماید.

منابع

۱.اسمل‌سر، نیل‌جی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی اقتصادی، ترجمه محسن کلاهچی، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.

۲.اشتریان، کیومرث و امامی میبدی، راضیه (۱۳۸۹)، دانش ضمنی و سیاست‌های انتقال تکنولوژی با تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، انتشارات دانشگاه تهران.

۳.بانک جهانی. (۱۳۹۲). بازیابی شده از:

۴. http://info.worldbank.org/etools/kam2/KAM_page5.asp تاریخ دسترسی:

۵. ۱۳۹۲/۶/۲۸.

۶. پاتنام، رابرت (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، در کتاب: «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.

۷.تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.

۸.تافلر، آلوین و هیدی تافلر (۱۳۸۸)، انقلاب در ثروت آفرینی، ترجمه عبدالرضا رضایی‌نژاد، تهران: انتشارات فرا.

۹.تودارو، مایکل (۱۳۸۳)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه فرجادی، غلامعلی، چاپ هشتم، تهران: بازتاب: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.

۱۰. توکل، محمد (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی تکنولوژی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۱۱. رنانی، محسن و مویدفر، رزیتا (۱۳۹۰)، چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد (سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران)، تهران: انتشارات طرح نو.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱۲. سامتی، مرتضی؛ صامتی، مجید و جنتی مشکانی، ابوالفضل (۱۳۸۲)، بررسی هزینه مبادله بر تورم رکودی در ایران (۱۳۷۹-۱۳۵۰)، جستارهای اقتصادی، شماره۱.
۱۳. شولتز، تئودور (۱۳۷۰)، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و توسعهٔ اقتصادی، ترجمه محمود متوسلی، ناشر مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. علمی، زهرا؛ شارع پور، محمود و حسینی، سید امیرحسین(۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۱.
۱۵. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۶. کوئن، بروس (۱۳۸۵)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۷. فتح‌اللهی، جمال (۱۳۹۱)، بررسی موانع نهادی بهره‌وری کل عوامل تولید در اقتصاد ایران (با تأکید بر نهادهای رسمی)، رسالهٔ دکتری اقتصاد، دانشگاه مفید.
۱۸. قاضی نوری، سروش (۱۳۸۳)، ارزیابی تکنولوژی، تهران: انتشارات مرکز صنایع نوین.
۱۹. نورث، داگلاس(۱۳۷۹)، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد، نشر نی، چاپ اول.
۲۰. نورث، داگلاس (۱۳۸۵)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمهٔ محمدرضا معینی، چاپ دوم، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۲۱. نورث، داگلاس(۱۳۸۹)، هزینه‌های مبادلاتی، نهادها و تاریخ اقتصادی، در کتاب: «اقتصاد نهادی، پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند»، ترجمه محمود متوسلی و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۲. مالهوترا، یوگش(۱۳۸۲)، اندازه‌گیری دارایی‌های دانشی یک کشور: نظام‌های دانشی برای توسعه، ترجمه محمد حسن‌زاده، مجله برنامه‌وبودجه، شماره ۹۶.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ هیجدهم، تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۸)، پاشنه آشیل توسعه، فصلنامه جامعه و اقتصاد، سال ششم شماره نوزدهم و بیستم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۲۵. میر، جرالد ام. و استیگلیتز، جوزف ای (۱۳۸۴)، پیشگامان اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، نشر نی، چاپ دوم.

۲۶. موسوی خامنه، مرضیه (۱۳۸۳)، سرمایه اجتماعی و سلوک اجتماعی (بررسی سرمایه اجتماعی در مدارس و تأثیر آن بر سلوک اجتماعی دانش‌آموزان)، رسالهٔ دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

۲۷. متوسلی، محمود؛ مشهدی احمد، محمود؛ نیکو نسبتی، علی و سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۸۹)، اقتصاد نهادی، پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

۲۸. فریره، پائولو (۱۳۶۳)، آموزش در جریان پیشرفت، ترجمه احمد بیرشک، تهران: انتشارات خوارزمی: ۳۶.

۲۹. ویلیامسون، الیور (۱۳۸۹)، نهادها و تدبیر امور توسعه و اصلاح اقتصادی، در کتاب: «اقتصاد نهادی، پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند»، ترجمه محمود متوسلی و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

30. Arrow, Keneth, J. (1959), "Economic Welfare and the allocation of resources for invention", The Rand-corporation, California.

31. Chinying, L. J. (2006),"Social Context and Social Capital Enablers of Knowledge Integration", Journal of Knowledge Management, Vol. 10, No. 3, pp. 89-105.

32. Coleman, J. (1988), "The Creation and Destruction of social capital: Implication for the Law", Notre dame Jpurnal of law, Ethics and Public Policy, Vol. 3: 375-404.

33. Demsetz, Harold (1967) ,"Toward a Theory of Property Rights", American Economic Review: 57-59

34. Foray, D. (2000) ,"the Remarkable Properties of Knowledge as an Economic Good", ImRI University Paris.

35. Fukuyama, Francis (1999),"Social Capital and Civil Society", IMF conferences on second Generation Reforms: www.IMF.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

36.Fussell, Hilary; Jill Harrison-Rexrode; William R. Kennan and Vincent Hazleton (2006),"The Relationship between Social Capital, Transaction Costs, and Organizational Outcomes: A Case Study", Corporate Communications: An International Journal, Vol. 11, No. 2: 148-161

37.Hodgson, G.M. (1998),"The Approach Institutional Economics", Journal of Economic Literature, Vol. XXXVI, pp. 166-192.

38.Li-Hua, Richard (2003),"From Technology Transfer to knowledge Transfer: A Study Of International Joint Venture Progects In Chine", Retrieved from: www.iamot. Org .paperarchive. li-Hua.pdf

39.Nahapiet, J. and Ghoshal, S. (1998), "Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage", the Academy of Management Review.

40.North (1968) Sources of Productivity Change in Ocean Shipping,1600-1850", The Journal of Political Economy, vol. 76, No.5 (sep- oct), p. 953.

41.OECD (1996), "The Knowledge Based Economy", Paris, General Distribution: OCED/GD (96) 102.

42.Schiliro, Daniele (2012), "Knowledge- based economies and the institutional environment", universita degli studi di messina desmas "v.pareto".

43.Stemson, R. et al. (2003), "Measuring Community Strength and Social Capital", Fin Land, ERSA, pp. 92-101.

44.Stewart, Mary (1998), "Parenting and Politics Giving New Shape to family valves", Christan century August: 719-721.

45. Williamson, Oliver E. (2005), "The economics of Governance", Suppiement, Papers and Proceedings of the One Hundred Seventeenth Annual Meeting of the American Economic Association, Philadelphia, PA, January 7-9, 2005, American Economic Review, Vol. 95, No. 2, pp. 1-18.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]